



دوفصلنامه علمی آموزه‌های نوین کلامی
سال پنجم، شماره اول (هفتم پیاپی)، بهار و تابستان ۱۴۰۴

ISSN: 2676-4466 | EISSN: 2717-2384

مقاله پژوهشی

توسل به ارواح امامان علیهم‌السلام از منظر آیات و روایات؛ معقول یا مورد توصیه؟

محمد حسین فاریاب^۱ 



چکیده

توسل به معنای مددخواهی از کسی یا چیزی برای رسیدن به مطلوب و مقصود است. این عمل در فرهنگ دینی معنایی خاص دارد و به شکل‌های مختلف انجام می‌شود. گاهی توسل به جایگاه و حق کسی نزد خداست؛ گاه نیز توسل به صورت درخواست دعا از افراد مقرب نزد خداوند صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که از آنان خواسته می‌شود برای برآورده شدن حاجت فرد دعا کنند. گاه نیز توسل به شکل درخواست مستقیم از همان افراد آبرومند مطرح می‌شود؛ به این صورت که از آنان تقاضا می‌گردد واسطه تحقق و برآورده شدن حاجت باشند. این عمل در زیست اسلامی، به ویژه شیعی، جایگاهی برجسته دارد. این مسئله، هم در دوران حیات بزرگان و هم آنگاه که در عالم برزخ به سر می‌برند، می‌تواند مطرح شود. با نگاهی درون مذهبی، این پرسش اساسی مطرح است اهل بیت به کدام نوع از توسل توصیه کردند؟ نوشتار حاضر با روش تحلیلی نقلی به پرسش مذکور پاسخ می‌دهد. بر پایه یافته‌های این پژوهش، بیشترین توصیه اهل بیت علیهم‌السلام توسل به حق و جایگاه آن‌ها بوده است. توسل مستقیم به ایشان، هرچند نامعقول نیست، چندان مورد توصیه آن‌ها نبوده است و در سیره شیعیان معاصر آن‌ها نیز چنین رویه‌ای کمتر دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: توسل، معقولیت، اهل بیت، برزخ، ارواح.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

m.faryab@gmail.com

۱. دانشیار گروه کلام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، قم، ایران.

 10.22034/mtt.2025.840

استناد به این مقاله: فاریاب، محمد حسین، بهار و تابستان ۱۴۰۴، توسل به ارواح امامان علیهم‌السلام از منظر آیات و روایات؛ معقول یا مورد توصیه؟، آموزه‌های نوین کلامی، ش ۷، صص ۳۳-۵۴.

امروزه زیست شیعی در جامعه، انواع مختلفی از توسل را (چنان که خواهد آمد) پذیرفته است. از سوی دیگر، از مقدمات و لوازم ساخت تمدن اسلامی، بر پایه تعالیم شیعی، آگاهی دقیق از محتوای دین در عرصه‌های مختلف است. امروزه اموری همچون زیارت و توسل بخشی از فرهنگ و سبک زندگی شیعی به شمار می‌رود. توسل به امامان علیهم‌السلام برای برآورده شدن حاجاتی که محل تحقق آن‌ها همین دنیا است، به شکل‌های مختلف انجام می‌شود. شیعیان برای طلب این نوع از حاجات، گاه خداوند متعال را به حق امامان علیهم‌السلام قسم می‌دهند؛ گاه از امامان علیهم‌السلام می‌خواهند که نزد خدا واسطه شوند که خداوند حاجات آن‌ها را برآورده سازد؛ و گاه نیز به طور مستقیم از ایشان می‌خواهند که حاجات آنان را برآورده سازند. اینک پرسش اصلی این نوشتار آن است که آیا امامان علیهم‌السلام هر سه نوع از این توسل را تأیید کردند؟

پژوهشگران مختلفی در عرصه توسل قلم زده‌اند و به مصاف و هابیان رفته‌اند؛ برای نمونه، فرمانیان کاشانی در «انحای استمداد از اولیای الهی و وجوه اختلاف در آن»، طبسی و بابایی در «تبیین و تحلیل حقیقت و گستره توسل در آیات و روایات»، ایزدی و رضائزاد در «نقد و بررسی دیدگاه ابن تیمیه در موضوع توسل به ارواح اولیا» از جهت تقابل با وهابیان به این موضوع پرداخته‌اند. رویکرد نگارنده در این نوشتار، به هیچ وجه مصاف با وهابیان نیست؛ بلکه با توجه به روایات، بررسی خواهد شد که در میان انواع توسل به ائمه علیهم‌السلام، کدام یک معقول، کدام یک توصیه شده و از کدام یک منع شده است.

بدیهی است که در این مسئله، نمی‌توان از هر حدیث و هر زیارت‌نامه‌ای بهره گرفت؛ زیرا برخی زیارت‌نامه‌ها در منابع متأخر آمده‌اند و اثری از آن‌ها در منابع متقدم نیست. زیارت‌نامه‌هایی که در منابع متأخر آمده است، اغلب فاقد سند کامل است؛ گاه نیز اساساً هیچ سندی ندارد و نویسنده کتاب حتی نام امامی را که زیارت‌نامه از وی نقل شده است، ذکر نمی‌کند؛ لذا ممکن است خود نویسنده، زیارت‌نامه را انشاء کرده باشد. روشن است که به این قبیل زیارت‌نامه‌ها در این بحث نمی‌توان استناد کرد.

مبنای نگارنده در پژوهش حاضر، نه اکتفا به احادیث صحیح‌السند است و نه استناد به احادیث فاقد سند؛ بلکه از احادیث ضعیف‌السند نیز، اگر در منابع مختلف از لحاظ متنی یا

معنایی تکرار شده باشند و از صدور آن احادیث اطمینان حاصل شود، استفاده خواهد شد.

۱. توضیح مفاهیم

پیش از ورود به بحث، توضیح واژگان دخیل در بحث ضروری می‌نماید.

۱-۱. توسل و مفاهیم همگن

توسل را در لغت به معنای طلب وسیله کردن برای رسیدن به مقصود دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۷۲۵). این واژه، معنایی عام و گسترده دارد. برای نمونه، انسان تشنه، در پی آن است که تشنگی خود را برطرف سازد. برای رسیدن به این مقصود، آب می‌نوشد. در این مثال ساده، «آب» وسیله رفع تشنگی است و انسان تشنه به «آب» توسل جسته است. در همین مثال، گاهی انسان از دیگری طلب آب می‌کند که همین «دیگری» وسیله او برای رسیدن به آب است.

این مفهوم باید در موارد مختلف، معناییابی شود تا از خلط مباحث جلوگیری شود. برای نمونه در مباحث کلامی، این مفهوم را می‌توان در چهار مورد به کار برد:

۱. انسان از خدا بخواهد که حاجتش را برآورده سازد.
۲. انسان از خدا بخواهد که به حق و جایگاه انسانی برگزیده، حاجت او را بدهد.
۳. انسان از کسی بخواهد تا برایش دعا کند و خداوند حاجت او را برآورده سازد.
۴. انسان حاجتش را از غیر خدا بخواهد.

سه نوع اخیر، وارد در بحث این نوشتار است که بررسی می‌شود.

۲. اقسام توسل به امامان معصوم علیهم‌السلام و تعیین محل نزاع

پیش از هر چیز، یادکرد این نکته ضروری است که توسل به فرد زنده، محل بحث این نوشتار نیست؛ بلکه محل بحث، توسل به فردی است که به حسب ظاهر اکنون در سرای دنیوی نیست و روح او در عالم برزخ به سر می‌برد. همچنین، مقصود از ارواح، روح پیامبر یا امامان معصوم علیهم‌السلام است. مقصود از حاجت، حاجتی است که محل تحقق آن همین دنیا است؛ بنابراین توسل برای شفاعت در آخرت، خارج از موضوع این نوشتار است.

به نظر می‌رسد سه نوع توسل به روح پیامبر و امامان علیهم‌السلام تصور می‌شود:



۱. توسل به جایگاه و حق آن‌ها نزد خداوند تا حاجت برآورده شود؛ مانند اینکه گفته شود: خدایا به حق امام رضا علیه السلام چنین حاجتی را به ما بده.
 ۲. توسل به آن‌ها برای اینکه حاجت متوسل را از خداوند بخواهند؛ مانند اینکه گفته شود: ای امام رضا، از خدا بخواه تا حاجت ما را بدهد.
 ۳. توسل به آن‌ها برای آنکه خودشان حاجت را برآورده سازند؛ مانند اینکه گفته شود: ای امام رضا، حاجت ما را بده.
- اینک موارد سه‌گانه به تفکیک بررسی خواهد شد.

۱-۲. توسل به حق و جایگاه ارواح معصومان علیهم السلام

در روایات و زیارت‌نامه‌های مختلفی این نوع توسل توصیه شده است؛ به گونه‌ای که ما را از بررسی سندی تک‌تک آن‌ها بی‌نیاز می‌سازد. در ادامه نمونه‌هایی از این روایات ذکر خواهد شد:

۱. در روایتی صحیح‌السند، امام صادق علیه السلام به معاویه بن عمار این دعا را از قول رسول‌الله صلی الله علیه و آله آموزش دادند که خطاب به خداوند متعال این گونه دعا کند: «...أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ... وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۸۴).
۲. در روایت صحیح‌السند دیگری، ابوعبیده نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام در سجده چنین دعا می‌فرمود: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ وَحَاسِبَتَنِي حَسَابًا يَسِيرًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۲۲).
۳. همچنین در زیارت جامعه کبیره که اعتبار آن در جای خود ثابت شده است، چنین آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شَفْعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۰۱).
۴. امام صادق علیه السلام برای کسی که از درد چشم گلایه داشت، این دعا را آموزش دادند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۰۹).
۵. امام کاظم علیه السلام درباره نحوه حاجت‌خواهی به سماعه چنین فرمودند: «إِذَا كَانَ لَكَ يَا سَمَاعَةُ إِلَى

اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ حَاجَةٌ فَقُلْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْ فَإِنَّ لَّهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْ رَأَيْتُ
الْقَدْرَ فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»
(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶۲).

۶. امام صادق (علیه السلام) خطاب به ابان بن تغلب، کیفیت دعا برای حفظ قرآن را این گونه بیان فرمودند:
۷. «تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ
صَفِيَّكَ وَمُوسَى كَلِيمِكَ وَنَجِيَّكَ وَعِيسَى كَلِمَتِكَ وَرُوحَكَ... أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَرْزُقَنِي حِفْظَ الْقُرْآنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۷۶).

۲-۲. توسل برای دعا کردن ارواح معصومان (علیهم السلام)

بدین معنا که از روح اهل بیت (علیهم السلام) که در برزخ هستند، بخواهیم که برای ما دعا کنند تا خداوند متعال
حاجت ما را بدهد.

درباره این نوع توسل باید به دو مسئله توجه شود:

۲-۲-۱. معقولیت درخواست از ارواح معصومان برای دعا کردن

روح معصومان (علیهم السلام) در عالم برزخ حضور دارد. آیا معقول است که انسان گرفتار و حاجتمند از آن‌ها
درخواست کند تا برایش دعا کنند؟ به تعبیر دقیق‌تر با توجه به اینکه دعا کردن یک عمل است، آیا در آن سرا
معصومان بر دعا کردن توانا هستند یا خیر؟ برای اثبات چنین گزاره‌ای باید چند مقدمه بررسی شود:

۲-۲-۱-۱. وجود درک و شعور برای ارواح

روشن است که عمل دعا کردن در برزخ، متوقف بر وجود درک و شعور برای دعاکننده است؛ یعنی باید
متوجه باشد که شخصی در عالم مادی از او درخواست دعا داشته است. هرچند انسان در عالم برزخ، بدن
مادی ندارد تا به ابزارهای ادراکی مانند آنچه در این دنیا برای اوست (مغزو...)، دسترسی داشته باشد، از
مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که آن‌ها در آن سرا دارای درک و آگاهی هستند. برای نمونه، می‌توان
به آیاتی که از متعّم بودن شهیدان در برزخ سخن می‌گوید، اشاره کرد: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان
زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند» (آل عمران/۱۶۹).

همچنین برخی روایات تصریح دارند که ارواح مؤمنین در حال استفاده از نعمت‌های بهشتی هستند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام در روایتی صحیح‌السند فرمود: «آن‌ها در حجره‌هایی از بهشت [بهشت برزخی] از طعام و شراب آن متنعم می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۴۴). روایاتی نیز دلالت دارند بر اینکه میت به خاطر طلب رحمت و استغفار برای او خوشحال می‌شود، همان‌گونه که افراد زنده با هدایا خوشحال می‌شوند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۳). روایات مذکور بر درک و آگاهی ارواح دلالت دارد.

همچنین بر پایه برخی روایات، وقتی زائر به زیارت میت می‌آید، روح او خوشحال می‌شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام در روایتی صحیح‌السند ضمن توصیه به زیارت قبور فرمود: «إِنَّهُمْ يَأْنَسُونَ بِكُمْ فَإِذَا غَبِثُمْ عَنْهُمْ اسْتَوْحْشُوا»؛ «آنان با شما انس می‌گیرند، وقتی که از آنان دور می‌شوید، دستخوش وحشت می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲۸).

در روایت صحیح‌السند دیگری از امام کاظم علیه السلام پرسیده شد که آیا روح میت مؤمن علم پیدا می‌کند که چه کسی به زیارت قبر او می‌رود؟ فرمود: «نعم ولا يزال مستانسا به مادام عند قبره فاذا قام وانصرف من قبره دخله من انصرافه عن قبره وحشة»؛ «آری، روح مؤمن موجود در عالم برزخ مادامی که زیارت‌کننده، کنار قبر او قرار دارد با او انس پیدا می‌کند و هنگامی که از سر قبر او منصرف شده برگشت، میت را وحشت فرامی‌گیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲۸).

به‌طور کلی، اموری همچون سؤال قبر، فشار قبر و عذاب قبر که از مسلمات دینی هستند، مؤید وجود درک و آگاهی برای ارواح در عالم برزخ است؛ چراکه بدون وجود درک و آگاهی، این اموری معنا می‌شوند.

۲-۲-۱-۲. سماع موتی

پس از اثبات وجود درک و آگاهی برای ارواح، نوبت به بررسی این پرسش می‌رسد که آیا ایشان صدای درخواست زندگان را می‌شنوند یا خیر. این مسئله زیرمجموعه مسئله کلی سماع موتی است.

ادله فراوانی بر این مدعا دلالت دارند:

۱. سلام زندگان به اهل قبور: در شریعت به زندگان توصیه شده است که به اهل قبور سلام کنند. این امر آنگاه معقول است که مردگان صدای افراد زنده را بشنوند. در این باره، سخن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با کشته‌شده‌های جنگ بدر معروف است. آنگاه که از ایشان پرسیده شد که آیا مردگان

صدای شما را می شنوند، ایشان فرمود: «والذی نفس محمد، بیده، ما انتم باسمع لما اقول منهم»؛ «سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، شما نسبت به آنچه می گویم از آن ها شنواتر نیستید» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۷۶).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز با کشته های اصحاب جمل، مانند کعبینسور و طلحه، پس از جنگ صحبت کرد و آنگاه دیگران از ایشان پرسیدند که آیا مردگان صدای شما را می شنوند یا خیر، فرمود: «وَاللّٰهُ اِنَّهُمَا لَيَسْمَعَانِ كَلَامِيْ كَمَا تَسْمَعُ اَصْحَابُ الْقَلْبِ كَلَامَ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ وَلَوْ اُذِنَ لَهُمَا فِي الْجَوَابِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹۲).

۲. آموزش نحوه سلام به مردگان: در متون حدیثی شیعه حتی چگونگی سلام دادن به مردگان نیز آموزش داده شده است. در روایتی صحیح السند آمده است که عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم که سلام بر اهل قبور چگونه است؟ ایشان فرمودند: «السلام علی اهل الدیار من المسلمین و المؤمنین انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بکم لاحقون»؛ «درود و سلام می فرستم بر اهل دیار از مسلمین و مؤمنین و نیز خطاب بر ارواح مردگان کرده، می گوئی که: شما از ما دور شده اید و ما به زودی به شما ملحق خواهیم شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲۹).

در روایت صحیح السند دیگری آمده است که جراح مدائنی همین پرسش را از امام صادق (علیه السلام) پرسید. ایشان فرمودند که به اهل قبور چنین سلام دهید: «السلام علی اهل الدیار من المسلمین و المؤمنین، رحم الله المستقدمین منا و المستأخرین و انا ان شاء الله بکم لاحقون»؛ «درود بر اهل دیار از مسلمین و مؤمنین باد، خداوند رحمت کند پیشینیان از مردگان و آنهایی را که بعداً به شما ملحق شده اند و ما نیز بالاخره به شما ملحق خواهیم شد (پس نگران نباشید و وحشت و ترس از دوری، شما را ناراحت نکند)» (همان).

گفتنی است نظریه سماع موتی از مختصات شیعه نیست و در میان اهل سنت نیز پیروان فراوانی دارد. طبری اشاره می کند که گروه فراوانی از دانشمندان، نظریه سماع موتی را پذیرفته اند و روایات این باب را صحیح دانسته اند (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۱). برای نمونه به چند تن از آن ها اشاره میکنیم:

۱. محمد بن اسماعیل بخاری: وی در کتاب «صحیح بخاری» که معتبرترین منبع نزد اهل سنت بعد از قرآن است، باب خاصی با عنوان «الْمَيِّتُ يَسْمَعُ خَفَقَ النَّعَالِ» درباره شنیدن صدای پای تشییع کنندگان توسط مردگان دارد (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۴۸).

۲. مسلم بن حجاج نیشابوری: وی نیز در صحیح خود می‌نویسد که مرده، حتی صدای پای تشییع‌کنندگان که از کنار قبر برمی‌گردند، می‌شنود و در این باره به روایاتی استناد می‌کند (نیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۰).

۳. ابن تیمیه: او که پیشوای فکری وهابیان به‌شمار می‌رود، تصریح می‌کند: «و اما درباره این پرسش که آیا مرده در قبرش حرف می‌زند، پاسخ این است که مرده، هم حرف می‌زند و هم می‌تواند صدای کسی را که با او سخن می‌گوید، بشنود؛ همان‌گونه که در حدیث صحیح از نبی مکرم آمده که فرمود: 'مردگان صدای نعلین را می‌شنوند' (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۷۳).

۲-۲-۳. امکان انجام عمل در برزخ

بر پایه برخی روایات، امکان انجام عمل در سرای برزخ وجود ندارد؛ برای نمونه، امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «امروز روز عمل است نه حساب؛ فردا (آخرت) روز حساب است نه عمل» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۷). روشن است که اگر باب عمل بسته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که روح پیامبر و امام بتواند در عالم برزخ دعا کنند.

در پاسخ باید گفت روایاتی که بیان می‌کنند با مرگ باب عمل برای انسان‌ها بسته می‌شود، مقصودشان هر عملی نیست، بلکه صرفاً اعمالی است که انسان به واسطه آن استحقاق پاداش یا عذاب پیدا می‌کند؛ زیرا طبق آیات و روایات، ارواح در عالم برزخ نیز اعمال فراوانی انجام می‌دهند. برای نمونه می‌توان به پاسخگویی ارواح به پرسش‌های شب اول قبر اشاره کرد. مرحوم کلینی بیش از ده روایت در این باره آورده است که تعدادی از آن‌ها صحیح‌السند هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۳۴ تا ۲۴۰). دریافت رزق شهیدان از خدا نیز عملی از اعمال آن سراسرست (آل عمران/۱۶۹). طبق روایات، ارواح به اهل خانه خود سر می‌زنند و از حال آن‌ها خبردار می‌شوند. امام صادق علیه السلام در روایتی صحیح‌السند فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُزَوَّرُ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يُحِبُّ وَيُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيُزَوَّرُ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يَكْرَهُ وَيُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يُحِبُّ قَالَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَزَوَّرُ كُلَّ جُمُعَةٍ وَمِنْهُمْ مَنْ يَزَوَّرُ عَلَى قَدَرِ عَمَلِهِ» (همان، ج ۳، ص ۲۳۰).

این‌ها نمونه‌ای از اعمالی است که ارواح در عالم برزخ انجام می‌دهند.

۲-۲-۴. امکان دعا کردن در عالم برزخ

تا بدین جا دانسته شده که اولاً ارواح درک و شعور دارند؛ ثانیاً صدای انسان‌ها را می‌شنوند و ثالثاً امکان

انجام عمل برای آن‌ها وجود دارد؛ پس می‌توان از آن‌ها خواست که دعا کنند و چنین درخواستی معقول است؛ هرچند اجابت آن به خداوند متعال بستگی دارد.

افزون بر آن، روایات معتبری نیز وجود دارند که به‌طور خاص به دعا کردن ارواح مؤمنان در برزخ برای خود و دیگران اشاره دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ لَفِي شَجَرَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا وَيَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا وَيَقُولُونَ رَبَّنَا أَقِمِ السَّاعَةَ لَنَا وَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا وَالْحَقُّ أَخْرَنَا بِأَوْلَانَا»؛ «آن‌ها در حجره‌هایی از بهشت [بهشت برزخی] از طعام و شراب آن بهره‌مند می‌شوند و می‌گویند: پروردگار! قیامت را برای ما برپا کن و وعده‌هایی را که به ما داده‌ای وفا نما و آخرین ما را به اولین ما ملحق کن» (همان، ج ۳، ص ۲۴۴). فراز پایانی این روایت در حقیقت، دعای ارواح برای دیگران است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در روایتی معتبر، درباره برکت وجودش برای امت اسلام، فرمودند:

«إِنَّ لَكُمْ فِي حَيَاتِي خَيْرًا وَفِي مَمَاتِي خَيْرًا قَالَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حَيَاتُكَ فَقَدْ عَلِمْنَا فَمَا لَنَا فِي وَفَاتِكَ فَقَالَ أَمَّا فِي حَيَاتِي فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ - وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ - وَأَمَّا فِي مَمَاتِي فَتَعَرَّضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ فَاسْتَغْفِرُكُمْ»؛ «همانا برای شما در حیات و ممات من، خیر است. به ایشان گفته شد: ای رسول خدا، خیر بودن شما در زمان حیات را می‌دانیم؛ اما خیر بودن شما در وفاتتان چگونه است؟ پس فرمودند: خیر بودنم در حیاتم همان است که خداوند فرمود: مادامی که در میان آن‌ها هستی، خداوند عذابشان نمی‌کند. و اما پس از وفاتم، اعمال شما بر من عرضه می‌شود، پس برای شما استغفار می‌کنم» (همان، ج ۸، ص ۲۵۴).

بر پایه این روایت، یکی از اعمال خاصی که پیامبر در عالم برزخ انجام می‌دهد، استغفار برای امت خود است؛ بنابراین، نه تنها باب عمل بسته نیست، بلکه یکی از اعمال خاص و ممکن، دعا کردن است.

نتیجه‌ای که تا اینجا می‌توان گرفت، آن است که چون دعا کردن ارواح در عالم برزخ ممکن است، عقل هیچ استحاله‌ای برای آن نمی‌بیند و نقل نیز آن را تأیید می‌کند؛ بنابراین معقول است از روح معصومان علیهم السلام درخواست کنیم تا برای ما دعا کنند.

۲-۲-۲. توصیه شدن این نوع توسل در روایات

با توجه به آنچه گذشت، روشن گردید که توسل به ارواح معصومان علیهم السلام برای دعا کردن نزد خدای سبحان امری لغو نیست؛ بلکه معقول است؛ ولی آیا در قرآن و روایات شیعی توصیه شده است که از ارواح معصومان علیهم السلام درخواست کنیم تا برای ما نزد خدا دعا کنند؟ یا آنکه امامان معصوم علیهم السلام از روح پیامبر یا امام پیشین خواسته اند تا برایشان در عالم برزخ دعا کنند؟

در این باره با جستجو در متون روایی، می توان دریافت که هرچند متون دینی این نوع توسل را منع نکرده اند، ولی توصیه چندانی نیز به این نوع توسل در روایات معتبر صورت نگرفته است؛ بدین معنا که خود امامان علیهم السلام از ارواح امامان پیشین خواسته باشند تا آن ها برایشان دعا کنند یا آنکه به دیگران آموزش داده باشند که از ارواح گذشتگان درخواست کنید تا برایتان دعا کنند. در این باره به چند مورد اشاره می شود:

۱. امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره، به زائران مزار امامان علیهم السلام توصیه کرده اند که خطاب به روح آن ها چنین بگویند: «يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ - فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُم عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنُوبِي وَكُنْتُمْ سُفْعَائِي»؛ «ای ولی خدا! بی گمان، میان من و خداوند عزوجل، گناهای است که جز رضایت شما، آن ها را محو نمی کند. پس به حق آن که شما را رازدار خود کرده و سرپرستی کار آفریدگانش را به شما واگذاشته و فرمان برداری از شما را با اطاعت خود، همراه کرده، بخشش گناهانم را [از او] بخواهید و شفیعان من باشید» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

این فراز از زیارت جامعه کبیره که اعتبارش در جای خود ثابت شده است، در حقیقت توصیه ای به ماست که از روح امامان معصوم علیهم السلام درخواست کنیم تا بر ایمان دعا کنند.

۲. امام علی علیه السلام در خطبه ۲۳۵ نهج البلاغه پس از دفن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «بِأَيِّ أَنْتَ وَ أُمِّي اذْكُرْنَا عِنْدَ رَبِّكَ؛ پدر و مادرم به فدایتان باد. ما را نزد خدا یاد کن» (سیدرضی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۵).

بر پایه این روایت، امام علی علیه السلام با روح پیامبر سخن گفته و از ایشان که در عالم برزخ هستند، درخواست می کند که نزد خداوند یاد ایشان باشند؛ به دیگر سخن برایشان دعا کنند.

این روایت را سیدرضی در نهج البلاغه بدون سند نقل کرده است (همان)؛ پیش از آن نیز استادش، شیخ مفید آن را با سند آورده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۳)؛ هرچند برخی از افراد در سلسله سند، مانند

حسین بن مخارق و عبدالصمد بن علی، مجهول هستند.

۳. در برخی از زیارت‌نامه‌ها عبارت «کن لی شفیعاً الی الله» با مضامینی قریب به آن، تکرار شده است. در این باره توجه به چند نکته ضروری است:

اولاً محل نزاع این مقاله، توسل برای برآورده شدن حاجاتی است که محل تحقق آن‌ها همین دنیاست؛ این در حالی است که اصطلاح شفاعت معمولاً مربوط به آخرت است؛ چنان‌که برخی روایات و زیارت‌نامه‌ها در همین امر صراحت دارد. برای نمونه، رسول گرامی اسلام فرمود: «مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۴).

همچنین در زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام چنین آمده است: «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنة فان لك عند الله شأننا من الشان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۲۶۷).

البته در برخی زیارت‌نامه‌ها اصطلاح شفاعت در مورد حاجت‌هایی به کار رفته است که محل تحقق آن‌ها همین دنیاست و از این جهت با موضوع این مقاله سازگار است.

ثانیاً زیارت‌نامه‌هایی که در بردارنده این عبارت هستند و در شفاعت جهت برآورده شدن حاجت دنیوی صراحت دارند، معمولاً به تنهایی دارای اعتبار لازم نیستند؛ چراکه اغلب آن‌ها بدون هیچ‌گونه سندی یا بدون سند کامل و معتبر ذکر شده‌اند و تنها یک یا دو راوی اولیه در سند دیده می‌شود و برخی از آن‌ها نیز اساساً حتی به معصوم علیه السلام هم متصل نمی‌شود. به چند نمونه از این قبیل اشاره می‌شود:

الف) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است: «إِنِّي لِي دُنُوبًا كَثِيرَةً فَاسْغَعِلِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا عَظِيمًا» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۴۱).

این زیارت‌نامه را ابن قولویه از کتاب مرحوم ابن ولید، بدون هیچ سندی از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کند. شیخ طوسی نیز آن را بدون استناد به امام معصوم علیه السلام در کتاب شریف تهذیب الاحکام نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰).

ب) در زیارت امام کاظم علیه السلام چنین می‌خوانیم: «أَتَيْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَانِكَ فَاسْغَعِلِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ قَالَ وَادَّعُ اللَّهَ وَاسْأَلْ حَاجَتَكَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۰۱).

سند این روایت چنین است: ... عیسی بن عبید عمّن ذکره عن ابی الحسن علیه السلام؛ بنابراین، روایت مذکور، ضعیف السند است. این زیارت نامه را مرحوم شیخ صدوق نیز بدون سند در کتاب شریف «من لایحضره الفقیه» آورده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۱). مرحوم شیخ طوسی نیز همین عبارت را با همین سند در کتاب شریف تهذیب الاحکام آورده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۸۳).

ج) در زیارت امام حسین علیه السلام چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَيْتُكَ يَا أَبِي وَأُمِّي زَائِرًا وَافِدًا إِلَيْكَ مُتَوَجِّهًا بِكَ إِلَى رَبِّكَ وَرَبِّي لَتَنْجَحَ بِكَ حَوَائِجِي وَيُعْطِيَنِي بِكَ سُؤْلِي فَاشْفَعْ لِي عِنْدَهُ وَكُنْ لِي شَفِيعًا» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۰).

شیخ مفید که ناقل این زیارت نامه در کتاب المزار است، سند و نام معصوم ناقل زیارت را ذکر نمی کند و چه بسا ممکن است از امام معصوم علیه السلام نیز نباشد. شیخ طوسی نیز آن را بدون نام بردن از امام معصوم علیه السلام در کتاب شریف تهذیب الاحکام نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۰).

د) در زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از راه دور چنین آمده است: «إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي وَيَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي فَكُنْ لِي شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي» (ابن طاووس حسنی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۰۶).

این زیارت نامه برای نخستین بار به وسیله ابن طاووس (قرن هفتم هجری) به این صورت نقل شده است: «فی حدیث عن الصادق علیه السلام» (همان، ص ۶۰۴).

ه) در زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام چنین خوانده می شود: «فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي فِي قَضَائِ حَوَائِجِي وَتَبْسِيرِ أُمُورِي وَكَشْفِ شِدْقِي وَغُفْرَانِ ذَنْبِي وَسَعَةِ رِزْقِي وَتَطْوِيلِ عُمُرِي» (مکی عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۳ و ۴۴).

این زیارت نامه برای نخستین بار به وسیله شهید اول (قرن هشتم هجری) با این سند از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «فقد روی محمد بن ابی عمیر عن المفضل بن عمر».

چنان که روشن است، هیچ یک از این زیارت نامه ها را نمی توان به معصوم منتسب دانست.

۴. در دعای توسل که علامه مجلسی آن را نقل می فرماید، این عبارت خطاب به معصومین علیهم السلام

تکرار شده است: «قَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ أَشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۲۴۷).

این عبارت، هرچند صریح در این نوع از توسل است، ولی دعای یادشده بدون سند ذکر شده است؛ از این رو، امکان صحت سنجی آن وجود ندارد.

تلاش نگارنده برای رسیدن به ادله دیگر در متون حدیثی شیعی بی نتیجه بود؛ در عین حال می توان به دو نتیجه مهم درباره این نوع از توسل اشاره کرد: اولاً درخواست از روح معصومان علیهم السلام برای دعا امری معقول است؛ چرا که آن ها بر انجام این کار توانا هستند؛ البته اجابت آن به خداوند متعال وابسته است. ثانیاً روایت یا زیارت نامه هایی که در آن ها این نوع از توسل دیده می شود، غیر از زیارت جامعه کبیره، هیچ کدام به تنهایی اعتبار لازم را ندارند؛ ولی از آنجاکه برخی از آن ها در متون متقدم شیعه آمده است و نیز مضمون آن ها در دیگر متون متقدم شیعه تکرار شده است، می توان دریافت که معصومان علیهم السلام این نوع از توسل را توصیه کردند. همچنین وجود زیارت نامه هایی که در کتاب های قرون متأخر آمده و در آن ها از عبارت «کن شفیع عند ربک» استفاده شده است، نشان می دهد که جامعه شیعی در قرون یادشده با این نوع از توسل آشنا بوده و به آن عمل کرده است.

۲-۳. توسل مستقیم به ارواح معصومان علیهم السلام

این نوع توسل را می توان استغاثه نیز نامید. در این نوع از توسل، به طور مستقیم از ارواح معصومان علیهم السلام درخواست حاجت می شود و روح معصوم علیه السلام است که به اذن خداوند و در صورت صلاحدید، حاجات را برآورده می سازد. در اینجا نیز، بحث در دو ساحت می تواند بررسی شود:

۲-۳-۱. معقولیت توسل مستقیم به ارواح معصومان علیهم السلام

معقولیت توسل به ارواح معصومان علیهم السلام وابسته به آن است که بگوییم آیا روح آن ها در عالم برزخ، توانایی برآورده ساختن حاجت های ما را دارد یا خیر؟ البته روشن است که توانا بودن بر یک کار، به منزله انجام آن نیست؛ چنان که خدای متعال نیز با وجود آنکه قادر مطلق است، تمام حاجت های ما را برآورده نمی سازد.

این مسئله نیازمند بررسی مقدماتی است که به آن ها می پردازیم:



۲-۳-۱-۱. وجود درک و شعور برای ارواح در عالم برزخ

روشن است که اگر ارواح را در سرای برزخ، فاقد درک و شعور بدانیم، استغاثه به آن‌ها امری نامعقول است؛ ازاین‌رو، برای اثبات معقولیت توسل و استغاثه به آن‌ها باید ثابت شود که آن‌ها در آن سرادک و شعور دارند. این مسئله پیش‌تر ثابت شد و از تکرار آن خودداری می‌شود.

۲-۳-۱-۲. سماع موتی

اگر گفته شود که ارواح در آن سرا، صدای ما را نمی‌شنوند و اساساً امکان ارتباط آن‌ها با عالم مادی برایشان وجود ندارند، در این صورت حاجت‌خواهی از آن‌ها نامعقول است؛ پس اثبات معقولیت توسل به آن‌ها مشروط به اثبات همین مسئله است. در گذشته این مسئله به تفصیل بررسی و اثبات شد؛ ازاین‌رو، از تکرار آن چشم‌پوشی می‌کنیم.

۲-۳-۱-۳. امکان انجام عمل در برزخ

روشن است که برآورده ساختن حاجت، یک عمل است. اگر انجام عمل در سرای برزخ برای ارواح، ممنوع یا ممتنع باشد و ارواح معصومان علیهم‌السلام نتوانند در آن سرا عملی انجام دهند، توسل به آن‌ها برای برآورده ساختن حاجات نیز امری نامعقول است. در گذشته با کمک آیات و روایات ثابت کردیم که امکان انجام عمل برای ارواح در آن سرا وجود دارد؛ ازاین‌رو، بار دیگر به این مسئله ورود نمی‌کنیم.

۲-۳-۱-۴. اثبات قدرت روحی امامان علیهم‌السلام برای انجام کارهای خارق‌العاده

عموماً توسل شیعیان به امامان علیهم‌السلام آنگاه صورت می‌گیرد که خودشان از طرق عادی نمی‌توانند به خواسته خود برسند

اینک پرسشی که باید پاسخ داده شود آن است که آیا آن‌ها می‌توانند از طرق غیرعادی، حاجات را برآورده سازند؟ به دیگر بیان، آیا آن‌ها توان انجام کارهای خارق‌العاده را دارند؟

روشن است که انجام کارهای خارق‌العاده نیازمند قدرت جسمانی خاصی نیست؛ بلکه قدرت روحی است که در تحقق آن تأثیرگذار است.

قرآن کریم از برخی انسان‌ها و نیز جنیان خبر می‌دهد که قوت روحی خاصی داشته، توانمندی انجام کارهای خارق‌العاده را داشتند. سوره نمل آشکارا از توانمندی این افراد خبر داده است: «قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا أَتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ»؛ «عفریتی از جنّ گفت: «من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلسست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (نمل/۳۹).

«عفریت» را معمولاً شیربر و خبیث دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۵۵۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۶۲). این آیه نشان می‌دهد که برخی جنیان با توانایی خاصی که دارند، می‌توانند کارهای خارق‌العاده‌ای انجام دهند.

در آیه دیگری، خداوند متعال از توانایی خاص یک انسان خبر می‌دهد:

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»؛ «(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «(این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند و هر کس کفران نماید (به زیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!» (نمل/۴۰).

مشهور آن است که فرد یادشده، آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان علیه السلام بوده است؛ هرچند فخر رازی بر این باور است که آن شخص، خود حضرت سلیمان علیه السلام بوده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۵۵۷).

آنچه که بر پایه ظهور این آیه به نظر می‌رسد این است که فرد مذکور، کسی غیر از حضرت سلیمان علیه السلام است. از دلالت‌های دیگر ظاهر آیه این است که وی به اذن و لطف خداوند متعال توانایی خارق‌العاده‌ای داشته است؛ چرا که بعد از انجام این مأموریت گفت: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي».

چند نکته از آیه درک می‌شود: ۱. فضل خدای متعال بر پایه شرایط و لیاقت‌هایی است که دربندگان



وجود دارد؛ بنابراین، اگر کسی دارای شرایط و لیاقت‌های آن شخص را داشته باشد، او نیز صاحب آن توانایی خواهد شد. ۲. صاحب آن قدرت نیز الزاماً همیشه از آن توانایی استفاده نمی‌کند. ۳. شخص براساس قربی که به خدا پیدا می‌کند، صاحب آن قدرت می‌شود؛ چنان‌که خود چنین تصریح می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد» (انفال/۲۹).

حدیث قرب نوافل هم به خوبی همین نکته را تأیید می‌کند؛ هرچند به دلیل وجود حماد بن بشیر که یک راوی مجهول است، سند معتبری ندارد:

«وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَحَبَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۲).

در این حدیث، انجام واجبات، محبوب‌ترین عمل نزد خدا و وسیله تقرب بنده به او عنوان شده است. نوافل (مستحبات) نیز وسیله‌ای برای تقرب به او معرفی شده‌اند. ترجمه بخشی از روایت بدین شرح است: اگر کسی به وسیله نافله‌ای (مستحبی) به من (خدا) تقرب جوید، او را دوست دارم و گوش، چشم، زبان و دست او می‌شوم که به وسیله آن‌ها بشنود و ببیند و اگر مرا بخواند، او را اجابت می‌کنم و خواسته‌هایش را برآورده می‌سازم.

بر پایه این حدیث، انسانی که به این مرحله از قرب رسیده است، در حقیقت، دست او دست خدا، چشمش چشم خدا و... است. چنین کسی همچون خدا و به اذن خدا، کارهای خدایی می‌تواند انجام دهد. روشن است که قرآن و احادیث از قاعده‌ای همگانی پرده‌برداری می‌کنند و در پی بیان یک فضیلت در افراد ویژه نیستند.

اینک باید به دو پرسش مهم پاسخ داد: آیا امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز دارای چنین قدرت‌هایی هستند یا خیر؟ روشن است که آن‌ها برترین بندگان خداوند، از گناهان معصوم هستند (احزاب/۳۳) و مرجع رفع نیازهای مردمند؛ «ایاب الخلق الیکم» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۲)؛ همچنین در زیارت جامعه کبیره با این عبارت از آنان یاد می‌شود: «وامره الیکم» (همان).

از این گذشته، در روایات متعددی، که ما را از بررسی سندی بی نیاز می کند، به این حقیقت اشاره شده است که اگر آصف بن برخیا توانست تحت بلقیس رانزد حضرت سلیمان علیهما السلام حاضر کند، به دلیل داشتن یک اسم از ۷۳ اسم اعظم خداوند متعال بوده است؛ حال آنکه امامان علیهم السلام ۷۲ اسم اعظم از آن ۷۳ اعظم را دارند (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۹ و ۲۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۰).

این روایات نیز بیانگر قدرت روحی فوق العاده امامان علیهم السلام است که به خاطر آن، انجام کارهای خارق العاده برای آن ها امکان پذیر است و تحقق کرامات نیز از همین باب است.

در عین حال، سخن در آن است که آیا در عالم برزخ نیز این قدرت برای ایشان همچنان باقی است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که قدرت ائمه علیهم السلام برای انجام این قبیل کارها وابسته به روح آنهاست. حال این روح در عالمی دیگر قرار دارد که به اصطلاح باطن همین دنیا است؛ ضمن آنکه مزاحمت های عالم ماده نیز از او برطرف شده است؛ به همین دلیل نه تنها نمی توان گفت که قدرت روح آن ها کم شده است، بلکه با لحاظ این موضوع، طبیعتاً این قدرت باید فزون تر نیز شده باشد. از همین روست که ارواح مؤمنان نیز می توانند، به خویشان خود سر بزنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۳۰) که در حالت عادی چنین چیزی امکان پذیر نیست.

باتوجه به مقدماتی که گذشت، باید گفت که امامان علیهم السلام در سرای برزخ، درک و شعور دارند، سخنان ما می شنوند، امکان انجام عمل در برزخ برای آن ها وجود دارد، و قدرت لازم را نیز برای انجام امور خارق العاده دارند؛ بنابراین، درخواست حاجت از آن ها امری معقول است.

ناگفته پیداست که آنچه آن ها انجام می دهند، به اذن عام خداوند متعال است و ما نیز اگر چیزی از آن ها درخواست می کنیم، با این اعتقاد است که آن ها به اذن خداوند متعال حاجت ما را برآورده می سازند؛ چنان که ما انسان ها نیز کوچک ترین اعمال خود را به اذن خداوند متعال انجام می دهیم. اگر کسی معتقد باشد در کاری ساده مثل پلک زدن از خداوند بی نیاز است، به وادی شرک وارد شده است؛ بنابراین، این اعتقاد یک اعتقاد توحیدی است.

۲-۳-۲. توصیه شدن این نوع از توسل در سخنان اهل بیت علیهم السلام

روایات متعددی در باب زیارت امامان معصوم علیهم السلام از جانب ایشان وارد شده است. در این روایات،



آداب زیارت، زیارت‌نامه، چگونگی توسل و... آمده است؛ ولی به درخواست حاجت از خود امام، توصیه خاصی نشده است. همچنین بر پایه تتبع نگارنده، در روایات دیده نمی‌شود که حاجت‌مندی نزد امام معصوم آمده باشد و امام به وی توصیه کند که حاجتش را از روح امامان پیشین درخواست کند. در این میان، چند روایت در متون اولیه حدیثی شیعه هستند که لازم است بررسی شوند:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ع فَزُرْهُ وَأَنْتَ حَزِينٌ مُكْرُوبٌ شَعْتُ مُغْبِرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ وَسَلُّهُ الْحَوَائِجَ وَانْصَرِفْ عَنْهُ وَلَا تَتَّخِذْهُ وَطْناً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۷؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۳۱).

این روایت به صراحت فرمان می‌دهد که وقتی شخصی به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رود، به طور مستقیم از ایشان درخواست حاجت کند: «سَلُّهُ الْحَوَائِجَ». در عین حال، این حدیث از نظر سندی، اعتبار لازم را ندارد؛ چراکه معلوم نیست علی بن الحکم از چه کسی سخن امام صادق علیه السلام را نقل کرده است.

در روایت دیگری مؤید توسل مستقیم به امامان علیهم السلام در سرای برزخ است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ وَشِعَارُنَا يَوْمَ بَدْرٍ يَا نَصْرَ اللَّهِ اقْتَرِبْ اقْتَرِبْ... وَيَوْمَ صَقَيْنَ يَا نَصْرَ اللَّهِ وَشِعَارُ الْحُسَيْنِ ع يَا مُحَمَّدُ وَشِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۷).

در نگاه نخست به نظر می‌آید که روایت فوق، نظریه استغاثه مستقیم به روح امامان علیهم السلام را تأیید می‌کند؛ چراکه فرازهایی مانند «یا نصر الله اقترِب» و تعبیر «یا محمد» از عبارات استغاثه به پیامبر است. با این وجود، تأمل در معنای «شعار» بیانگر نکته‌ای دیگر است. در مجمع‌البحرین شعار را چنین معنا کرده است: «وَشِعَارُ الْقَوْمِ فِي الْحَرْبِ: عَلَامَتُهُمْ لِيَعْرِفَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ» (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۵۰؛ رک: جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۹۹). باتوجه به این معنا، «شعار» تقریباً همان چیزی است که امروزه به آن «رمز شب» می‌گویند و ارتباطی به استغاثه ندارد؛ بلکه علامتی است که با آن، افراد یک مجموعه یکدیگر را می‌شناسند.

در کتاب تفسیر عیاشی نیز این روایت از امام رضا علیه السلام دیده می‌شود: عن محمد بن زید الرازی عن عن ذكره عن الرضا علیه السلام: «إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَيْدَةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ قَوْلُهُ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

فَادْعُوْهُ بِهَا» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۴۲).

این روایت نیز از نظر سند و دلالت قابل خدشه است: سند، چنان که هویدا است، ناقص است و دلالت آن نیز بر توصیه امام رضا به استعانت از ائمه بعد از وفات، نص یا حتی ظاهر نیست.

در روایت دیگری، گزارش شده است که امام باقر علیه السلام افراد را در هنگام بیماری توصیه کردند که به حضرت زهرا علیها السلام توسل کنند. این روایت را علینابی حمزه که واقفی مذهب است، از ابوبصیر برای امام کاظم علیه السلام نقل می کند:

«... جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَذِنْتَ لِي حَدِّثْتُكَ بِحَدِيثٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ جَدِّكَ أَنَّهُ كَانَ إِذَا وُعِكَ اسْتَعَانَ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ فَيَكُونُ لَهُ ثَوْبَانِ ثَوْبٌ فِي الْمَاءِ الْبَارِدِ وَثَوْبٌ عَلَى جَسَدِهِ يُرَاوِحُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ يُنَادِي حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتَهُ عَلَى بَابِ الدَّارِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ فَقَالَ صَدَقَتْ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۰۹).

دلالت این روایت آشکارا بر استغاثه و توسل مستقیم به روح حضرت زهرا علیها السلام دلالت می کند و اگر از واقفی بودن علی بن ابی حمزه بطائنی چشم پوشی شود، اعتبار سندی این روایت پذیرفتنی است.

علی رغم جستجوی فراوان، تلاش نگارنده برای دست یافتن به روایات معتبر دیگر در این باره نافرجام بوده است. هرچند در برخی دعاها یا ایام هفته (ابن طاووس حسنی، ۱۳۳۰ق، ص ۳۴ تا ۳۷) یا زیارت نامه های نامعتبر (بدون سند یا بدون انتساب به ائمه) (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۲۳)، عباراتی هم نوا با این نوع از توسل دیده می شود، اما این قبیل دعاها یا زیارت نامه ها را نمی توان منبع مناسبی در این بحث به شمار آورد. در پایان باید گفت که اگر قرار بود چنین نوع توسلی، سبک زندگی شیعیان قرار گیرد، باید در طول ۲۵۵ سال زمان حضور اهل بیت علیهم السلام نسبت به آن توصیه های فراوانی از سوی آن حضرات صورت می پذیرفت یا آنکه گزارش های متعددی از توسل صحابه ائمه علیهم السلام به ارواح امامان علیهم السلام در اختیار ما قرار می گرفت.

❁ نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. توسل به معنای واسطه قراردادن برای رسیدن به مقصود است که می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود: گاه بدین صورت است که خداوند به حق معصوم قسم داده می‌شود تا حاجتی برآورده شود؛ گاه بدین صورت است که از روح امام خواسته می‌شود دعا کند تا خدا حاجت را برآورده سازد؛ و گاه نیز به این گونه است که از روح آن‌ها درخواست شود تا خودشان حاجت را برآورده کنند.

۲. توسل به این شکل که از خداوند متعال خواسته شود به احترام حق و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام حاجتی را برآورده سازد، در روایات پیشوایان دین توصیه شده است.

۳. توسل به این شکل که از روح اهل بیت علیهم‌السلام درخواست شود که حاجت ما را از خدا بخواهند، امری معقول است؛ چراکه آن‌ها در سرای برزخ، درک و شعور دارند، صدای ما را می‌شنوند، و امکان انجام فعل برای آن‌ها وجود دارد؛ پس قادر بر دعا کردن هستند. همچنین با جمع قرائن روایات و زیارت‌نامه‌های موجود، می‌توان گفت اهل بیت علیهم‌السلام به این نوع از توسل سفارش کردند. زیارت‌نامه‌هایی که در کتب قرون متأخر شیعه نقل شده است، نشان می‌دهد که جامعه شیعی در آن دوران با این نوع توسل آشنایی داشته است.

۴. توسل به این شکل که به طور مستقیم از اهل بیت علیهم‌السلام حاجت‌خواهی شود، امری معقول است؛ زیرا این کار مستلزم داشتن درک و شعور، امکان شنیدن، امکان انجام فعل و نیز داشتن قدرت روحی فوق‌العاده است که همگی این مقدمات درباره آن‌ها وجود دارد.

۵. در عین حال، روایات معتبر بسیاری وجود دارد که در آن‌ها امامان علیهم‌السلام توصیه به توسل مستقیم به ارواح امامان علیهم‌السلام پیشین کرده‌اند؛ از این رو، به نظر می‌رسد اگر تأکید بیشتری بر روی یک مدل خاص از یک عمل صورت گرفته است، همان مدل خاص نیز باید در فرهنگ شیعی نمود بیشتری داشته باشد؛ بنابراین، هرچند نوع دوم و سوم از توسل را، باتوجه به معقولیت آنها، نمی‌توان خارج از سبک زندگی شیعی دانست، ولی آن توسلی که باید به طور عمده در سبک زندگی شیعه جریان داشته باشد، توسل به جایگاه و مقام آن‌ها نزد خداوند متعال است. توسل نوع دوم نیز در مرتبه بعدی قرار دارد که همان درخواست دعا از معصومان علیهم‌السلام است.

قرآن کریم

۱. ابن تیمیة حزانى، احمد بن عبد الحليم، (۱۴۲۱ق)، **مجموع الفتاوى**، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲. ابن حنبل شيبانى، احمد، (۱۴۲۱ق)، **مسند احمد**، چاپ اول، بى جا: مؤسسه الرساله.
۳. ابن طاووس حسنى، على بن موسى، (۱۳۳۰ق)، **جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع**، چاپ اول، قم: دار الرضى.
۴. ابن طاووس حسنى، على بن موسى، (۱۴۰۹ق)، **اقبال الاعمال**، چاپ دوم، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
۵. ابن قولويه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶)، **كامل الزيارات**، چاپ اول، نجف اشرف: دار المرتضويه.
۶. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، (بى تا)، **الروح فى الكلام على ارواح الاموات والاحياء بالدلائل من الكتاب و السنه**، بيروت: دار الكتب العلمية.
۷. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق)، **المزار الكبير**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
۸. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، چاپ سوم، بيروت: دار الفكر - دار صادر.
۹. بخارى، محمد بن اسماعيل، (۱۴۲۲ق)، **صحيح بخارى**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، چاپ اول، بيروت: دار طوق النجاء.
۱۰. جوهرى، اسماعيل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، **الصحاح**، چاپ اول، بيروت: دار العلم للملايين.
۱۱. سيد رضى، محمد بن حسين، (۱۳۸۸)، **نهج البلاغه**، چاپ اول، قم: دارالعرفان.
۱۲. صدوق، محمد بن على، (۱۴۱۳ق)، **من لا يحضره الفقيه**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
۱۳. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، **بصائر الدرجات**، چاپ دوم، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
۱۴. طبرسى، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. طبرى، محمد بن جرير، (بى تا)، **تهذيب الآثار و تفصيل الثابت عن رسول الله من الأخبار**، تحقيق: محمود محمد شاکر، قاهره: مطبعه المدنى.
۱۶. طريحي، فخرالدين، (۱۴۱۶ق)، **مجمع البحرين**، چاپ سوم، تهران: كتابفروشى مرتضوى.
۱۷. طوسى، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، **تهذيب الاحكام**، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
۱۸. عياشى، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، **تفسير العياشى**، چاپ اول، تهران: المطبعه العلميه.
۱۹. فخر رازى، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، **مفاتيح الغيب**، چاپ سوم، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۲۰. قرطبى، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، **الجامع لاحكام القرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۱. كلينى، محمد بن يعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الكافى**، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
۲۲. مجلسى، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار**، چاپ دوم، بيروت: دار احياء التراث العربى.

۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الامالی، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۴. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، (۱۴۱۰ق)، المزاء، چاپ اول، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۲۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



Journal of New Theological Teachings
Vol.5, No.1 (Seventh in a row), Spring and Summer 2025
ISSN: 2676-4466 | EISSN: 2717-2384

Research Article

Seeking Recourse (Tawassul) to the Souls of the Imams ('a) in the Light of the Qur'an and Hadith: Rational or Recommended?

Mohammad Hossain Faryab¹ 



Abstract

Tawassul (seeking recourse) entails imploring assistance from someone or something to attain a desired objective. In the theological context, this practice possesses a specific semantic scope and is manifested in various forms. Occasionally, tawassul is directed at the status and right (ḥaqq) of a person before God. At other times, it involves requesting those proximate to God to pray on one's behalf, meaning they are entreated to supplicate for the fulfillment of an individual's need. Furthermore, tawassul can be formulated as a direct request to these esteemed figures, imploring them to act as intermediaries for the realization and fulfillment of the need. This practice occupies a prominent position in Islamic, particularly Shi'i, piety and praxis. This theological issue is applicable both during the earthly lives of these revered figures and during their existence in the intermediary realm (Barzakh). Adopting an intra-denominational perspective, a fundamental question arises: which specific form of tawassul did the Ahl al-Bayt ('a) actually recommend? Employing an analytical-textual method, the present article addresses this inquiry. According to the findings of this research, the Ahl al-Bayt ('a) primarily recommended tawassul through their right and status. Direct tawassul to them, while not irrational, was scarcely recommended by them, and such a procedure is rarely observed in the conduct (sīra) of their contemporary Shi'a.

Keywords : Tawassul, Rationality, Ahl al-Bayt, Barzakh, Souls.

* Received: 28 May 2025 (1404/03/07)

Accepted: 08 January 2026 (1404/10/18).

1. Associate Professor, Department of Islamic Theology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.

E-mail: m.faryab@gmail.com

 10.22034/mtt.2025.840